

محمد نادری از نمایش «سه کیلو و ۲۵۰ گرم» به «صبا» می گوید

پایانی تراژیک در فضایی رئال



کمبود بودجه عامل جدی آسیب به تئاتر است

معصومه قاسمی گفت و گو

محمد نادری بازیگر و فارغ التحصیل رشته نمایش است. او که بیشتر با ایفای نقش در سریال طنز «شمعدونی» و مجموعه «دورهمی» و حضور در برنامه «خندوانه» شناخته شد، هم اکنون در نمایش «سه کیلو و ۲۵۰ گرم» که یک درام اجتماعی به سبک رئالیسم است، ایفای نقش می کند. «سه کیلو و ۲۵۰ گرم» نوشته مهدی زندیه و کاری از محسن نجار حسینی است که از دو شب گذشته روی صحنه رفته است. به همین بهانه با او گفت و گویی ترتیب دادیم که در ادامه می خوانید.

و تئاتر را به عنوان یک الزام فرهنگی می پذیرند؛ در حال حاضر جامعه با معضل فرهنگی روبه روست که تنها به تئاتر اختصاص ندارد و سایر مسائل فرهنگی نظیر کتاب و سینما با آن مواجه هستند.

استفاده از بازیگران سرشناس سینما و تلویزیون در جذب مخاطب تئاتر را چگونه ارزیابی می کنید؟ نمی توان به طور قطعی آن را پذیرفت یا رد کرد. اگر بازیگری توانایی اجرای نقشی که به او محول شده را داشته باشد و علاوه بر محبوبیت، نقش خود را به بهترین شکل ایفا کند و عده ای را به تماشای تئاتر ترغیب کند هیچ ایرادی ندارد و مشکل از آن جایی شروع می شود که تنها این بخش از تئاتر دیده می شود و به تمام تئاتر تبدیل می شود در این صورت اتفاق مطلوبی رخ نمی دهد و توجه صرف به این متظر از تئاتر، خروجی خوبی ندارد؛ هر کاری باید به شکل درست انجام شود.

با توجه به این که بیشتر شاهد اجرای تئاترهایی برگرفته از نمایشنامه های کلاسیک و غربی روی صحنه هستیم؛ ایرانی و جدید بودن نمایش را چقدر در جذب مخاطب موثر می دانید؟

در سراسر دنیا نمایشنامه مطرح چندین بار و با شکل های مختلف اجرا می شود و مسئله مهم در این خصوص، نگاه نوآورانه و امروزی کارگردان و دراماتور به نمایش های قدیمی است. به عقیده من اجرای نمایشنامه به نام اتفاق درستی است؛ کم بودن نمایشنامه خوب در ایران یکی از دلایل اصلی ترجیح کارگردانان به استفاده از نمایشنامه های غربی است، چرا که دارای قوام هستند و اصول دراماتیک به خوبی در آن ها رعایت شده است.

می توان با شکل اجرایی متفاوت این نمایشنامه ها، مسائل و دغدغه های امروز را بیان کرد. از تجربه بازی در نمایش «سه کیلو و ۲۵۰ گرم» و نقشی که ایفا کردید، بگوئید.

من در این کار نقش برادر بزرگ یک خانواده فقیر که به آن ها ارثی ناعلمتاری می رسد، را ایفا کرده ام. متن این نمایش که توسط مهدی زندیه نوشته شده است، مرا جذب کرد چرا که نمایشنامه ای خوب با دیالوگ های روان و ارتباط باورپذیر بین کاراکترها است. کارگردانی درست محسن نجار حسینی که رئالیسم را به معنای واقعی روی صحنه برده است و همچنین وجود یک بازیگر خانم اهل افغانستان که بازی فوق العاده ای دارند از تجربه از حضور در «سه کیلو و ۲۵۰ گرم» هستند.

به عنوان بازیگر این نمایش؛ «سه کیلو و ۲۵۰ گرم» چقدر در بیان مسائل اجتماعی مورد نظر خود موفق بوده است؟

این نمایش بخشی از مشکلات، معضلات و دغدغه های قشر فقیر جامعه را به تصویر کشیده است و به بررسی ابعاد روانی و انتخاب های کاراکترها در سیر داستان می پردازد؛ این تئاتر با استقبال بسیار خوبی از سوی تماشاگران مواجه شد، همه بلیت ها فروش رفت و با بازخوردهای مثبتی از سوی مخاطبان مواجه شدیم.

چرا تئاتر مورد کم لطفی واقع شده و آن طور باید از لحاظ بودجه مورد توجه قرار نگرفته است؟

بخشی از این تفکر که نباید بودجه ای به تئاتر اختصاص داده شود و خودش باید خرج خودش را در بیورد درست است اما این رویه باعث نگرانی و دغدغه مالی سازندگان تئاتر و کشیدن شدن آن ها به سمت گیشه می شود، که این مسئله به تئاتر آسیب جدی وارد می کند.

با توجه به این که شما کار خود را از تئاتر و ژانر جدی آغاز کردید، چه مولفه هایی باعث شد تا در حال حاضر مخاطبان شما را به عنوان یک بازیگر طنز بشناسند؟

طنز یا جدی بودن کار برای من اهمیت چندانی ندارد؛ متن نمایشنامه و نقشی که به من پیشنهاد می شود، دلیل انتخاب و حضور من در یک اثر است. این گونه نیست که به بازی در کارهای کمیک الزام داشته باشیم، چرا که هم اکنون در تئاتر، هم ایفاگر نقش های جدی هستیم و هم کارهای طنز بازی کرده ام. «سه کیلو و ۲۵۰ گرم» که دیشب اولین اجرای آن بود، یک کار جدی، درام و به سبک رئالیسم است که پایان تراژیک و متفوقتی دارد و این که در بعضی قسمت های آن مخاطبان به خنده می افتند، کلاما بیانگر رئال بودن این نمایش است، چرا که زندگی عادی تریکپی از غم و شادی در کنار هم است؛ اما دلیل اصلی این موضوع که در قاب تصویر سینما و تلویزیون به عنوان بازیگر طنز شناخته شده ام، این است که وقتی بازیگر در قالب یک اثر دیده می شود، پیشنهادهای بعدی او نیز در همان قالب است.

شما در سال ۷۹ با بازیگری در تئاتر وارد عرصه هنر شدید و اولین حضور شما در تلویزیون در سال ۸۹ و ایفای نقش در یک تله فیلم اتفاق افتاد، دلیل این فاصله ۱۰ ساله بین ورود شما به عرصه بازیگری در تئاتر و حضور شما در تلویزیون چیست؟

من در این ۱۰ سال حوزه های کاری مختلفی مثل فیلمنامه نویسی، ساخت فیلم های صنعتی و تیزر را تجربه کرده ام و دوست داشتم، کارهایی را انجام دهم که قابل دفاع و مورد علاقه باشم؛ در آن دوران هیچ وقت برای تست به دفترهای سینمایی نرفتم و از رابطه خاصی استفاده نکردم؛ هیچ عجله ای برای ورود به تلویزیون نداشتم و اگر تا الان هم این اتفاق نمی افتاد، هیچ اقدامی برای آن انجام نمی دادم؛ این مسئله که سال ها پس از ورود به عرصه بازیگری وارد تلویزیون نشدم، تنها برای من رخ نداده است بلکه در حال حاضر بازیگران بسیار درخشانی در عرصه تئاتر وجود دارند که متأسفانه دیده نشده اند و شاید در آینده بیشتر به آن ها توجه شود؛ البته در سال های اخیر تئاتر بین اهالی سینما فراگیر شده، اما در گذشته تئاتر بودن به عنوان یک صفت متغی شناخته می شد.

با توجه به این که شما سال های زیادی در عرصه تئاتر فعالیت کرده اید، چه عواملی را در استقبال کمتر مردم از تئاتر نسبت به سایر مدیوم ها نظیر سینما و کنسرت موثر می دانید؟

به نظر من اگر نمایشی خوب باشد، قطعاً توسط مخاطبان دیده می شود. اجراهای پر فروش زیادی در زمینه تئاتر وجود دارند که بعضی از آن ها تمديد هم می شوند؛ اما به نظر من یکی از دلایل این مسئله، حق انتخاب زیاد برای تماشای تئاتر است چرا که به واسطه تئاتر خصوصی تعداد نمایش هایی که در تهران اجرا می شود بین صد تا ۱۲۰ اجراست، که مخاطب نمی تواند همه آن ها تماشا کند؛ وضعیت اقتصادی، یکی دیگر از عوامل استقبال کم از تماشای تئاتر است، چرا که با بروز مشکلات اقتصادی، اولین چیزی که از سبد خانواده حذف می شود، فعالیت های فرهنگی است؛ عدم آموزش و تربیت صحیح کودکان نیز در این موضوع نقش بسزایی دارد. در سایر کشورها دانش آموزان از همان دوران در مدرسه با تئاتر آشنا می شوند و نمایش های متناسب سن خودشان را تماشا می کنند